



«گون و بنفشه ها»

مجموعه ای از سروده های
استاد شفيعی کدکنی به
زبان انگلیسی

با گزینش و ترجمه

مژده بهار

دکتر مژده بهار در ایران در خاندان بهار، در خانواده ای از شعرا و نویسندگان چشم به جهان گشود. وقتی ۱۴ ساله بود پدر و مادرش به امریکا مهاجرت کردند. او لیسانس در رشته شیمی و فرانسه را از کالج دیکینسون (Dickinson College) و فوق لیسانس در رشته فرانسه از دانشگاه نیویورک (NYU) و دکترای حقوق را از دانشگاه مریلند (University of Maryland Francis King Carey School of Law) کسب کرده و با وجود این، علاقه عمیق خود به شعر و ادبیات فارسی را حفظ کرده است. مجموعه «گون و بنفشه ها»، نخستین ترجمه او از سروده های یکی از مشهورترین شعرای معاصر ایران است.

محمد رضا شفيعی کدکنی، ادیب، پژوهشگر و شاعر، را بی تردید می توان از نام آوران و بزرگان پهنه فرهنگ و ادب ایران دانست. اما آنچه شاید گستره شهرت و اعتبار استاد شفيعی کدکنی را از محافل علمی و دانشگاهی فراتر می برد و در ژرفای جامعه نفوذ می کند، سروده های اوست، عاشقانه ها، آنچه در باره طبیعت می گوید، حرف های پوشیده در کنایه وقتی پای ایران و حال و هوای مردمش به میان می آید، و آنجا که ناهنجاری های جامعه را تاب نمی آورد و زبان به اعتراض می گشاید.

شفيعی کدکنی در محافل فرهنگی و ادبی بین المللی نیز چهره ای آشناست و منزلت و اعتبار ویژه دارد. با این حال برای مردم عادی و علاقه مندان به شعر و ادب ایران در کشورهای دیگر ناآشنا بوده است، خلایق که انتظار می رود کار پر ارزش خانم مژده بهار در ترجمه برخی از سرودهای او به انگلیسی آنرا پر کند. خانم بهار در پیش کلامی در باره این مجموعه منتشر شده است، می نویسد:



«برخی اشعار شفیعی کدکنی که از طبیعت سخن می گویند و بیشتر اشعار این مجموعه را شامل می شوند، نوید امیدند. گلهای وحشی و پرندگان در انتظار بهارند، گون که موقعیت خویش را به خوبی درک می کند، از طریق نسیم پیامش را به شکوفه ها می رساند. گل یخ از خشکسالی زرنکتر است، بید کوهی، صنوبر و گل اطلسی سرود زندگی می خوانند و باران زمین را پاکیزه می کند. در اشعار استاد کدکنی، شقایق شجاع، دریا نترس، یاس و نسترن معجزه آسا هستند. اشعار استاد کدکنی گاهی کلاسیک و گاه مدرن است و او بر هر دو سبک تسلط کامل دارد.»

مژده بهار در مورد انگیزه خود برای ترجمه سروده های شفیعی کدکنی می نویسد:

«راستش من قصد داشتم شعر "سفر بخیر" را برای دخترم که در آمریکا متولد شده ترجمه کنم. با اینکه دخترم فارسی بلد است، همان طور که می دانید، زبان شعر دشوار است. این شعر برای من از لحاظ احساسی جایی ویژه دارد. از آنجا که گفتگوی بین گیاه (گون) و نسیم است، بیشتر متوجه استفاده استاد کدکنی از عناصر طبیعی شدم و ۵۴ شعر را که ۵۰ تای آن دارای عناصر طبیعی مانند گل و گیاه، آب (رود، باران)، فصول می باشند را ترجمه کردم. چهار شعر (گمشده، شعر درمانی، قطب نما و ساعت و تقویم) که عناصر طبیعی ندارند ولی به نظرم به هر زبانی زیبا هستند را در این جُنگ جا داده ام.»

آرمان: آغاز این کوشش ارزنده را به دکتر مژده بهار تبریک می گوئیم.